مقایسهٔ تطبیقی ساختار عشقی منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه از دیدگاه ریخت‌شناسی پراپ

مروه الاسعد*[۱] حسن ذوالفقاری[۲] ناصر نیکوبخت[۳] نجمه دری[٤]

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس
۲. دکتری تخصصی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
۳. دکتری تخصصی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
٤. دکتری تخصصی ،عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

دریافت:۱۳۹۷/۳/۱۳ پذیرش۱۳۹۷/۱۰/۲٤

فصلنامهٔ علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دورهٔ ۷، شمارهٔ۱، بهار ۱۳۹۸س صص ٤٥-٦٨

چکیده

منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک از مهم‌ترین و گسترده‌ترین انواع شعر غنایی محسوب می‌شود. البته تعداد زیاد و تأمل‌برانگیزی از این منظومه‌ها از دل مردم برخاسته و در میان آنان منتشر شده است؛ به این منظومه‌ها «عاشقانهٔ عامیانه» گفته می‌شود. این مقاله به بررسی ساختار در شش منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی می‌پردازد که از مشهورترین و مهم‌ترین منظومه‌های کلاسیک و عامیانه به‌شمار می‌روند. هدف مقالهٔ حاضر بررسی ویژگی‌های مشترک در ساختار مشترک منظومه‌های عاشقانهٔ فارسی کلاسیک و عامیانه است که شباهت‌های ساختاری و روساختی این داستان‌ها بررسی و وجوه اختلاف آن‌ها مشخص می‌شود. برای دستیابی به نتایج دقیق، در این پژوهش، با الهام از شیوهٔ ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ و با کمک جدول‌ها، ساختار داستان‌ها تجزیه و تحلیل می‌شوند تا با مقایسهٔ نتایج، کنش‌های مشترک و متفاوت در این داستان‌ها دسته‌بندی شوند. ساختار در این داستان‌ها می‌تواند نمونه‌هایی از جمعی از داستان‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه باشد که نشانه‌ها و ساختار مشترک و نزدیک به هم دارند.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: marmareteyad@gmail.com

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

منظومه‌های کلاسیک مورد مطالعه در این پژوهش عبارت‌اند از: *خسرو و شیرین*، *یوسف و زلیخا*، و *ویس و رامین* و همچنین منظومه‌های عامیانهٔ *عزیز و نگار*، *حیدربیک و سمنبر*، و *حسینا و دلارام*. در این بررسی، نشان داده می‌شود که چگونه منظومه‌های منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه کنش‌های مشترک و برابر دارند. تازگی این مقاله مقایسه در الگو قرار دادن ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ در بررسی و مقایسه وجوه اختلاف و اشتراک منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه است.

واژه‌های کلیدی: منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک، منظومه‌های عاشقانهٔ عامیانه، ادبیات تطبیقی، ریخت‌شناسی پراپ.

۱. مقدمه

شعر غنایی از گسترده‌ترین انواع شعر فارسی محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین گونه‌های شعر غنایی، منظومه‌های عاشقانه است. منظومه‌های عاشقانه، همچون دیگر انواع ادبی، در طول زمان تحولات بسیاری یافته و در مضمون و محتوا دچار دگرگونی شده‌اند که به‌تبع آن شکل و ساختارشان هم متحول شده و تکامل یافته است. البته جایگاه منظومه‌های عاشقانه در میان انواع معروف ادبی، چه به‌لحاظ کمّی چه از نظر کیفی، بسیار والا و تأمل‌برانگیز است؛ به عبارت دیگر، منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک بخش مهمی از ادبیات فارسی و عاشقانه‌های عامه نیز بخش مهمی از فرهنگ عامه شمرده می‌شوند. برخی از این منظومه‌ها واقعی و برخی دیگر ساختهٔ ذهن مردم هستند. هر دو گونهٔ منظومه‌های عامیانه و کلاسیک بن‌مایه‌های مشترکی دارند که نشان‌دهندهٔ تأثیر متقابل آن‌ها در یکدیگر است. در این پژوهش، سه منظومهٔ عاشقانهٔ کلاسیک و سه منظومهٔ عاشقانهٔ عامیانه، از میان مهم‌ترین و مشهورترین منظومه‌های عاشقانهٔ فارسی، انتخاب و ساختار روایی آن‌ها براساس نظریهٔ ساختارگرای پراپ بررسی می‌شود. با توجه به اینکه هدف پراپ از این کار شناخت و تعریف ساختار روایی واحد در داستان‌های مورد مطالعه است، در این پژوهش سعی می‌شود فرایند آغاز، تطور و پایان تمام قصه‌ها را قانونمند کنیم و این زمانی حاصل می‌شود که از مضمون و محتوا به‌سمت ساختار حرکت کنیم.

هدف این پژوهش نشان دادن ساختار مشترک منظومه‌های عاشقانهٔ فارسی کلاسیک و عامیانه است که با استفاده از روش ریخت‌شناسی پراپ و درنتیجه مشخص کردن شباهت‌های

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

ساختاری و روساختی این داستان‌ها و بررسی اسباب و وجوه اختلاف آن‌ها تحقق می‌یابد. منظومه‌های کلاسیک بررسی‌شده در این پژوهش عبارت‌اند از: *خسرو و شیرین*، *یوسف و زلیخا*، و *ویس و رامین* و منظومه‌های عامیانه نیز *عزیز و نگار*، *حیدربیک و سمنبر*، و *حسینا و دلارام* هستند. گفتنی است که تاکنون پژوهشی به این گستردگی دربارهٔ ساختار عشقی منظومه‌های عاشقانه و همچنین مقایسهٔ منظومه‌های کلاسیک و عامیانه از این منظر انجام نشده است.

۲. پیشینه و روش تحقیق

تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینهٔ ریخت‌شناسی منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه انجام شده است؛ ازجمله: «بررسی ریخت‌شناسانهٔ داستان 'بیژن و منیژه' شاهنامه فردوسی براساس نظریهٔ ولادیمیر پراپ» (روحانی و عنایتی قادیکلایی، ۱۳۸۸)؛ «ریخت‌شناسی افسانهٔ عاشقانهٔ 'گل بکاولی'» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹)؛ «ریخت‌شناسی داستان عاشقانهٔ شهسوار پلنگینه‌پوش شوتا روستاولی» (فاطمی و عرب یوسف‌آبادی، ۱۳۹۰)؛ «ریخت‌شناسی گنبد سرخ در هفت‌پیکر نظامی گنجوی» (آذر و پورسید، ۱۳۹۰)؛ «تحلیل داستان گنبد چهارم در منظومهٔ غنایی هفت‌پیکر (براساس نظریهٔ ساختارگرایان)» (پشتدار و عباس‌پور خرمالو، ۱۳۹۰)؛ «ریخت‌شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتایون» (قربانی و گورک، ۱۳۹۲)؛ «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی براساس نظریهٔ پراپ» (زهره‌وند، مسعودی و رحیمی، ۱۳۹۳)؛ «تحلیل 'خورشید و جمشید' برپایهٔ نظریهٔ پراپ» (واشقانی فراهانی، هاشمیان و رحمانی، ۱۳۹۳)؛ «بررسی تطبیقی داستان لیلی و مجنون عربی و عزیز و نگار فارسی از دیدگاه ساختارگرایی» (پروینی، نظری‌منظم و دلشاد، ۱۳۹۵) و «رده‌بندی داستان‌های عاشقانهٔ فارسی» (واعظزاده، ۱۳۹۵). از ساختار مقالهٔ آخر به‌عنوان یک نمونهٔ بسیار خوب برای بررسی و مقایسهٔ منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه در این پژوهش استفاده کرده‌ایم. دربارهٔ ریخت‌شناسی منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک مطالعات بسیاری صورت گرفته است؛ در این مقاله ما نیز درپی بررسی و مقایسهٔ وجوه مشترک و تفاوت‌ها در منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه از منظر ریخت‌شناسی پراپ هستیم؛ پژوهشی که تاکنون انجام نشده است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

۳. منظومه‌های عاشقانهٔ عامیانه و کلاسیک

احساسات فردی و «منِ» شاعر یا گوینده شرط اساسی در ایجاد شعر غنایی، هم در ادبیات اروپا و هم در ایران، بوده است. این نوع شعر به‌تدریج کالبد خاصی برای خود ایجاد کرد که آن را از سایر انواع شعری متمایز ساخت؛ چه از لحاظ مضمون و موضوع و چه از لحاظ شکل شعری؛ به‌طوری که وجه غنایی آن بر جنبهٔ روایی‌اش سایه افکند و زبانش در یک روند خاص ترسیم شد.

> در یونان، پس از جنگ‌های پی‌درپی، آرامشی نسبی برقرار می‌شود. نوعی نظام بر شهر حاکم می‌شود. مردم به خویش می‌آیند و از لذت‌های زندگی سخن می‌گویند و فرد در جامعه اعتبار خود را بازمی‌یابد و انسان در جمع گم‌شده نیست. در این عصر، شعر غنایی شکل می‌گیرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۰۲).

کلمهٔ dramatic lyric یا شعر نمایشی در اروپا معادل مقولهٔ منظومه‌های عاشقانهٔ بلند و روایی در ادب فارسی است (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۲۸). این منظومه‌ها یا داستان‌های عاشقانه تنوع و گستردگی فراوان دارند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۰).

درمقابل این حجم وسیع، پراکندگی منظومه‌های عاشقانهٔ عامیانه در مناطق مختلف ایران باعث تنوع اسم این نوع شعر از جایی به جایی دیگر می‌شود. برای مثال عاشقانه‌های مازندران اغلب شامل وصف معشوق یا داستان عاشقانه است که از مهم‌ترین مقام‌های آن «طالبا[1]»ست. منظومه‌های داستانی که در کردستان رواج دارند، به‌صورت شعر هجایی و نثر پرداخته شده‌اند. اگر این منظومه‌ها فقط به‌صورت نظم باشند، به قالب آن‌ها «بیت» می‌گویند؛ «از معروف‌ترین این ترانه‌ها سیاوچمانه، بیت، درهیانه، حیران، هوره‌چپی، چریکه، گوشی و گورانی شیخانه است» (ذوالفقاری، ۱۳۹٤: ۳۲۸). «چریکه» تقریباً نیمی از منظومه‌های عاشقانهٔ کردی را دربردارد. از مهم‌ترین مضامین چریکه گفت‌وگوهای عاشقانه، توصیف‌های طبیعت زیبا و شرح درد هجر و فراق است. «'چریکه' منظومه‌های حماسی و داستان‌های قهرمانی و شورانگیز کردی به آواز و به نظم و نثر است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۳). منظومه‌های عاشقانهٔ آذربایجان «بیاتی» نامیده می‌شوند و در قالب «دوبیتی و مثنوی» هستند. اصل این داستان‌ها به‌صورت نثر و نظم است و نغمه‌سرایان این اشعار «عاشیق» نام دارند. بعضی آن را به واژهٔ «آشوله» در ترکی ازبکی به‌معنای آواز و ترانه منسوب می‌کنند. در بلوچستان، این نوع شعر مخصوص قوم بلوچ

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

است و مهم‌ترین مضامینش زندگی و حوادث آن، تاریخ و باورهای قومی و دینی هستند. منظومه‌هایی که مضامین حماسی، عاشقانه، وقایع تاریخی و رویدادهای اجتماعی دارند، «شیر» نامیده می‌شوند (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۱۱۳ ـ ۱۱۸). نظریه‌پردازان براساس مطالعات خود در فرهنگ عامه، زمینه‌های مشترکی را در میان منظومه‌های عاشقی فرهنگ عامیانه و ملل متفاوت یافته‌اند و می‌گویند که ساختار این منظومه‌ها جهانی است و در همه‌جا یکسان است. به همین دلیل شاید بهترین روش بررسی و تحلیل متون فولکلوریک، استفاده از نظریه‌های ریخت‌شناسی باشد.

٤. خویش‌کاری‌های منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه

بررسی و مقایسهٔ ما در حوزهٔ ساختار داستان‌هاست. روایت‌شناسی در مباحث ساختارگرایی توسط ولادیمیر پراپ روسی و با مطالعه در بیش از صد قصهٔ عامیانهٔ روسی آغاز شد. پراپ در طبقه‌بندی و تحلیل قصه‌ها روشی ابداعی را به‌کار برد و سازوکار تحلیل روایت را به روشی محدود و کارآمد تقلیل داد. او با بررسی این قصه‌ها دریافت که اگرچه شخصیت‌ها و افراد در این قصه‌ها گوناگون‌اند، کارهایی که به‌وسیلهٔ آن‌ها انجام می‌شود، از شمار معیّنی تجاوز نمی‌کند. هدف پراپ از این کار ایجاد ساختار روایی واحد برای همهٔ داستان‌ها بود. گرچه با این کار می‌توانیم فرایند آغاز، تطور و پایان تمام قصه‌ها را حتی در سراسر جهان قانونمند کنیم؛ اما این زمانی حاصل می‌شود که از مضمون و محتوا به‌سمت ساختار حرکت کنیم. «پس لازم است رده‌بندی قصه به‌تمامی بر مسیر جدیدی قرار داده شود. باید رده‌بندی را از مضمون و محتوای قصه به مشخصات صوری و ساختمانی آن منتقل ساخت» (پراپ، ۱۳۹۲: ۲۷). ما در این مقاله، به ده کنش از مهم‌ترین کنش‌های مورد بررسی پراپ توجه کرده‌ایم که در بین منظومه‌های عاشقانه مشترک‌اند و آن‌ها را با منظومه‌های مورد بررسی تطبیق داده‌ایم تا در ساختار این منظومه‌ها، مؤلفه‌های عشقی و همچنین جنبه‌های تشابه و تفاوت آن‌ها را با یکدیگر به‌دست آوریم:

ردیف	کنش‌های منظومه‌ها
الف	عاشق شدن (a)

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

ب	عاشق اطلاعاتی کسب می‌کند (δ)
پ	موانع وصال عشاق (λ)
ت	فرار از خانه (↑)
ث	دیدار عشاق (O)
ج	عاشق آزموده می‌شود (D)
چ	رقابت عشقی (M)
ح	مبارزه (H)
خ	عاشق به شهر خود بازمی‌گردد (↓)
د	عشاق به هم می‌رسند یا نه (w)

٤- ١- الف. عاشق شدن (نشانهٔ a):

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	***ویس و رامین***	***یوسف و زلیخا***	***عزیز و نگار***	***حیدربیک و سمنبر***	***حسینا و دلارام***
عاشق شدن		خسرو با شنیدن توصیف شیرین و شیرین با دیدن تصویر خسرو	رامین، ویس را در عماری می‌بیند.	زلیخا، یوسف را در خواب می‌بیند.	عزیز توصیف نگار را می‌شنود.	حیدربیک، سمنبر را در شکارگاه می‌بیند.	حسینا، دلارام را در کنار چشمهٔ آب می‌بیند.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

	عاشق می‌شوند.					

a[1]) عاشق معشوق را می‌بیند و عاشق او می‌شود: رامین، ویس را در عماری، حیدربیک، سمنبر را در شکارگاه و حسینا، دلارام را در کنار چشمهٔ آب می‌بیند.

a[2]) عاشق تصویر معشوق را می‌بیند و عاشق او می‌شود: شیرین تصویر خسرو را می‌بیند و عاشق او می‌شود.

a[3]) عاشق معشوق را در خواب می‌بیند و عاشق او می‌شود: زلیخا، یوسف را سه بار در خواب می‌بیند و عاشق او می‌شود.

a[4]) عاشق توصیف معشوق را می‌شنود و عاشق او می‌شود: خسرو توصیف شیرین را از شاپور می‌شنود و عاشق او می‌شود؛ چنان‌که عزیز توصیف نگار را می‌شنود.

اولین دیدار بین عاشق و معشوق اولین و مهم‌ترین گره‌افکنی است که داستان با آن شروع می‌شود. البته دیدار عشاق چنان‌که در بالا می‌بینیم، به دو طریق تحقق می‌یابد: دیدن (در خواب یا بیداری) و شنیدن:

۱. دیدن: دیدار عشاق ممکن است واقعی و روی‌درروی باشد یا با دیدن تصویر یا خواب دیدن محقق شود. در اینجا باید به این نکته اشاره کنیم که خواب‌ها در منظومه‌های عاشقانه رؤیاهای صادقانه هستند و همه به واقعیت می‌پیوندند.

۲. شنیدن: عاشق در منظومه‌های کلاسیک و عامیانه توصیف معشوق را می‌شنود و عاشق او می‌شود؛ آن‌گاه کنجکاوی‌اش برای کسب اطلاعات دربارهٔ وی بیشتر می‌گردد. البته شنیدن صدای معشوق هم یک نوع دیگر برای آشنایی عشاق و شروع عشق محسوب می‌شود.

با نگاهی گذرا به این منظومه‌ها درمی‌یابیم که در منظومه‌های عامیانه، آغاز عشقْ مادی و ملموس است و در آن خبری از شنیدن صدای معشوق و دیدن او در خواب نیست. این نکته نشان می‌دهد که معشوق در دسترس است و مانعی برای دیدار عشاق وجود ندارد. درحالی که در منظومه‌های کلاسیک، معشوق معمولاً در کشوری دیگر و دور از دسترس است و دیدن او شاید فقط در خواب میسر باشد.

٤- ۲- ب. عاشق اطلاعاتی کسب می‌کند (نشانهٔ δ)

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	***ویس و رامین***	***یوسف و زلیخا***	***عزیز و نگار***	***حیدربیک و سمنبر***	***حسینا و دلارام***
عاشق اطلاعاتی کسب می‌کند.		خسرو و شیرین از شاپور اطلاعاتی دربارهٔ معشوق کسب می‌کند.		زلیخا اطلاعات را از طریق خواب‌ها به‌دست می‌آورد.	عزیز اطلاعات را از رهگذری کسب می‌کند.	حیدربیک از کنیز سمنبر اطلاعات را کسب می‌کند.	

δ^1) عاشقی که معشوق خود را به‌صورت غیرمادی و غیرواقعی می‌بیند، به کسب اطلاعات بیشتری درمورد معشوق نیاز دارد؛ چنان‌که عشق معشوق در دلش شعله‌ور می‌شود و دیگر طاقت دوری از وی را ندارد. پس برای یافتن و دیدن وی می‌کوشد تا اطلاعاتی درباره‌اش کسب کند. برای مثال شیرین تصویر خسرو را در روی درخت می‌بیند و می‌کوشد از طریق شاپور اطلاعاتی دربارهٔ وی جمع کند؛ از سوی دیگر خسرو که توصیف شیرین را از شاپور می‌شنود، بی‌قرار می‌گردد و کنجکاوی‌اش برای آشنایی با شیرین و کسب اطلاعات دربارهٔ وی بیشتر می‌شود. عزیز نیز توصیف نگار را می‌شنود و سعی می‌کند از طریق رهگذری جای او را بیابد. اما زلیخا، یوسف را در خواب می‌بیند و دعا و نذرونیاز می‌کند تا او را دوباره در خواب ببیند و اطلاعات بیشتری درباره‌اش به‌دست آورد.

δ^2) عاشقی که معشوق خود را به‌صورت ملموس و مادی می‌بیند: در این داستان‌ها، کنجکاوی عاشق برای کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ معشوق کمتر است و او به دیدن معشوق اکتفا می‌کند؛ چون برای عاشق که دچار عشق معشوق شده، چیزی مهم‌تر از دیدن معشوق

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

نیست. در منظومه‌های *ویس و رامین* و *حسینا و دلارام*، عشاق همدیگر را می‌بینند و عاشق هم می‌شوند.

δ^{3}) عاشق معشوق خود را می‌بیند؛ اما مجبور می‌شود اطلاعاتی دربارهٔ وی کسب کند: در منظومهٔ *حیدربیک و سمنبر*، حیدربیک، سمنبر را می‌بیند و عاشق او می‌شود و اطلاعاتی از کنیز وی می‌گیرد؛ زیرا سمنبر را در شکارگاه می‌بیند و اگر اطلاعاتی درباره‌اش کسب نکند، احتمال دیدن دوبارهٔ او بسیار کم است.

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	***ویس و رامین***	***یوسف و زلیخا***	***عزیز و نگار***	***حیدربیک و سمنبر***	***حسینا و دلارام***
موانع وصال عشاق		دسیسه‌های دشمنان، آگاهی خسرو از مرگ پدر، ازدواج با کابین، فرهاد عاشق شیرین، مریم همسر خسرو	رفتن رامین به ماه‌آباد، موبد همسر ویس و گل همسر رامین، زندانی شدن ویس	ترس از خدا و عزیز مصر	مادر عزیز، وسوسه‌های شیطان، رقیبان عزیز، زندانی شدن وی	ازدواج سمنبر	خانوادهٔ دلارام و گری عاشق دلارام، سفر حسینا به ایل بختیاری

٤- ۳- پ. موانع وصال عشاق (نشانهٔ λ)

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

λ^{1}) مخالفت والدین با ازدواج: مخالفت والدین یکی از مشکل‌ترین موانع وصال محسوب می‌شود؛ چون با مخالفت آن‌ها عاشق و معشوق نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. البته این بن‌مایه در فرهنگ شرق گستردگی بسیار دارد و تأثیر بزرگی بر رابطهٔ عشاق به‌جا می‌گذارد. برای نمونه نارضایتی مادر عزیز از ازدواج او با نگار و تصمیم عزیز بر این ازدواج به مشکلاتی بسیار بزرگ منجر می‌شود. همچنین پدر سمنبر که از خبر ملاقات دخترش با حیدربیک و فاش شدن داستان عشق آن‌ها در میان مردم نگران شده است، ازدواج سمنبر با پسرعمویش را ترتیب می‌دهد و این‌گونه مانعی بزرگ‌تر از مخالفت والدین ایجاد می‌شود. خانوادهٔ دلارام هم هنگامی که خبر ملاقات دخترشان با حسینا را می‌شنوند، تصمیم می‌گیرند حسینا را بکُشند.

λ^{2}) وجود رقیب عشقی و ازدواج یا خواستگاری معشوق/ عاشق: رقیب عشقی، بعد از عاشق و معشوق، مهم‌ترین شخصیت در داستان‌های عاشقانه محسوب می‌شود. او می‌تواند مهم‌ترین مانع وصال هم باشد؛ چون در تمام منظومه‌ها وجود دارد. برای مثال در *خسرو و شیرین*، مریم همسر خسرو، (کی، مریم یا خسرو) رقیب عشقیِ شیرین و فرهاد، رقیب عشقیِ خسرو است (جمله نامفهوم است). در *یوسف و زلیخا*، عزیز مصر مانع ازدواج آن دو است؛ و در همان وقت، خدا رقیب عشقی زلیخا به‌شمار می‌رود. همچنین موبد، همسر ویس، و گل، همسر رامین، موانع وصال عشاق به هم هستند. اما رقیب عشقی در منظومهٔ *عزیز و نگار*، خواستگاران نگار هستند؛ خواستگاری سمنبر از سوی پسرعمویش و نقشهٔ گری، خواستگار دلارام، نیز باعث دوری عشاق از هم می‌شود.

λ^{3}) موانع وصال طبیعی و حوادث: گرچه این‌گونه موانع زیاد هستند، در این منظومه‌ها فقط در سفر و ظهور شیطان خلاصه می‌شوند. البته این مانع وجود کم‌رنگ‌تری از بقیهٔ موانع دارد. برای مثال در منظومهٔ *خسرو و شیرین*، خسرو از دسیسهٔ دشمن باخبر می‌شود و مداین را به قصد ارمنستان ترک می‌کند؛ اما شیرین هنگامی که به مداین می‌رود، خسرو را پیدا نمی‌کند. شیرین برای بار دوم به ارمنستان می‌رود تا خسرو را ببیند؛ اما خسرو که از مرگ پدرش مطلع شده است، پیش از رسیدن شیرین ارمنستان را به قصد مداین ترک می‌کند. رامین بنابه خواستهٔ برادرش، موبد، از مرو به ماه‌آباد می‌رود و در آنجا با گل ازدواج می‌کند. همچنین سفر حسینا از ایل بختیاری به لارستان بنابه خواستهٔ شاه، برای مدتی باعث دوری او از نگار می‌شود. اما در

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

منظومهٔ *عزیز و نگار*، نوع دیگری از موانع طبیعی دیده می‌شود؛ شیطان مادر عزیز را وسوسه می‌کند و عزیز و نگار را به پشت کوه می‌برد و آن‌ها را با دیوار از هم جدا می‌کند.

λ^{4}) عشق‌های ممنوع: عشق ممنوع بین عاشق و معشوق فقط در *یوسف و زلیخا* دیده می‌شود. البته در *ویس و رامین* و *خسرو و شیرین*، عشق ممنوع به‌شکل دیگری دیده می‌شود؛ ویس در آغاز داستان با برادرش، ویرو ازدواج می‌کند و شیرویه پدرش، خسرو را می‌کشد تا با شیرین ازدواج کند.

λ^{5}) حبس و زندانی شدن عاشق یا معشوق: یکی از راه‌های دور نگاه داشتن عاشق از معشوق زندان است؛ چنان‌که در منظومه‌های *ویس و رامین* و *عزیز و نگار* دیده می‌شود. موبد هرگاه به سفر می‌رود، ویس را در کاخ زندانی می‌کند و در منظومهٔ دیگر، حاسدانِ عزیز او را به زندان می‌افکنند. گاهی عاشق از زندان به‌عنوان وسیلهٔ انتقام گرفتن از معشوق استفاده می‌کند؛ چنان‌که زلیخا زمانی که یوسف تقاضایش را نمی‌پذیرد، وی را زندانی می‌کند.

رقیب عشقی مهم‌ترین مانع وصال در منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه است و در تمام منظومه‌ها وجود دارد؛ درحالی که حبس و زندانی شدن عاشق یا معشوق، موانع طبیعی و حوادث ظهور کم‌رنگ‌تری دارند. نکتهٔ بسیار مهم این است که در منظومه‌های کلاسیک، مخالفت والدین با ازدواج دیده نمی‌شود؛ چنان‌که عشق‌های ممنوع در منظومه‌های عامیانه دیده نمی‌شود. البته هر دو مانع بسیار اهمیت دارند؛ چون با فرهنگ و دین ما عجین هستند. همچنین در این منظومه‌ها تدبیر راه‌حلی برای رسیدن عشاق به هم اجباری است. البته در بحث عشق ممنوع که در منظومه‌های کلاسیک دیده می‌شود، راه‌حلی برای رسیدن عشاق به هم وجود ندارد؛ چون از لحاظ فرهنگی و اعتقادی برای مردم قابل قبول نیست؛ اما دربارهٔ مخالفت والدین با ازدواج این‌گونه نیست و عشاق می‌توانند به هم برسند.

٤- ٤- ت. فرار از خانه (نشانهٔ ↑)

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	*ویس و رامین*	*یوسف و زلیخا*	*عزیز و نگار*	*حیدربیک و سمنبر*	*حسینا و دلارام*

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

فرار از خانه	شیرین به مداین می‌رود.	ویس و رامین برای مدتی فرار می‌کنند.	یوسف خانهٔ زلیخا را به قصد باغی ترک می‌کند.	عزیز خانه را ترک می‌کند و دوباره با نگار برمی‌گردد.	حیدربیک دو بار راه کشمیر را می‌گیرد.	حسینا فرار می‌کند و حکم شاهی می‌گیرد.

[1]↑) عاشق خانه را ترک می‌کند: عاشق به قصد دیدار معشوق خانه‌اش را ترک و به دیار معشوق سفر می‌کند؛ چنان‌که شیرین به قصد دیدار با خسرو ارمنستان را ترک می‌کند و به مداین می‌رود؛ همچنین عزیز، حیدربیک و حسینا خانه‌هایشان را ترک می‌کنند و به دیدار معشوقه‌هایشان می‌شتابند.

[2]↑) معشوق خانه را ترک می‌کند: این موضوع بسیار کم اتفاق می‌افتد. فرار کردن معشوق از کنار عاشق را در منظومهٔ *یوسف و زلیخا* می‌بینیم؛ یوسف به بهانهٔ خدمت در باغی، خانهٔ زلیخا را ترک می‌کند.

[3]↑) عاشق و معشوق خانه را ترک می‌کنند: در این باره می‌توانیم از لفظ «فرار عشاق» هم استفاده کنیم؛ کاری که در منظومهٔ *ویس و رامین* مشاهده می‌شود. در این داستان، عشاق برای مدتی کوتاه از مرو فرار می‌کنند؛ اما دوباره پشیمان می‌شوند و برمی‌گردند.

این کنش در منظومه‌های کلاسیک تنوع بیشتری دارد تا منظومه‌های عامیانه. در منظومه‌های عامیانه، عاشق به‌دنبال معشوق خانه را ترک می‌کند؛ درحالی که شاعران منظومه‌های کلاسیک نیروی تخیل قوی‌تری داشتند؛ افزون بر این، سرودن داستان‌هایی که واقعیت دارند، مانند *یوسف و زلیخا*، باعث غنا و تنوع در شکل این کنش‌ها می‌شود.

٤- ٥- ث. دیدار عشاق (نشانهٔ O)

کنش‌ها	**منظومه‌ها**	**منظومه‌های کلاسیک**			**منظومه‌های عامیانه**		
		خسرو و	***ویس و***	***یوسف و***	***عزیز و***	***حیدربیک***	***حسینا و***

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

↓ ←	شیرین	رامین	زلیخا	نگار	و سمنبر	دلارام
دیدار عشاق	عشاق در چشمهٔ آب و شکارگاه همدیگر را می‌بینند.	دیدار به شیوهٔ عیاران با کمندافکنی در رفتن به کاخ معشوق صورت می‌پذیرد.	دیدار عشاق با غفلت معشوق صورت می‌پذیرد.	نگار لباس پوست خرس می‌پوشد و با عزیز ملاقات می‌کند.	دیدار پنهانی در کاخ است؛ با کمندافکنی و به‌شیوهٔ عیاران.	دیدار نهانی در کنار چشمهٔ آب.

O^1) دیدار عشاق با لباس مبدل: پوشیدن لباس مبدل از روش‌های عیاران محسوب می‌شود. گاهی عاشق لباس پزشک، چوپان، گدا، بازرگان یا هر لباس دیگری را می‌پوشد تا معشوق خود را ببیند. در قصهٔ *عزیز و نگار*، معشوق پوست خرس می‌پوشد تا عاشق را از زندان نجات دهد.

O^2) دیدار عشاق به‌وسیلهٔ کمندافکنی عیاران: کمندافکنی هم از روش‌های عیاران است و به شجاعت و دلاوری عاشق اشاره می‌کند؛ چون نشان می‌دهد که عاشق حاضر است خودش را در خطر بیندازد تا معشوقش را ببیند؛ چنان‌که رامین و حیدربیک کمند را به قصر معشوقه‌هایشان می‌اندازند و با آن‌ها ملاقات می‌کنند. البته این روش‌ها همیشه موفق نیستند؛ گاهی شاه از کارهای عاشق و رفتن او به داخل قصر معشوق مطلع می‌شود و عشاق را مجازات می‌کند؛ چیزی که در داستان اتفاق می‌افتد.

O^3) دیدار پنهانی عشاق: دیدار پنهانی عشاق جلوهٔ بیشتری دارد. حسینا و دلارام دیدارهای پنهانی در کنار چشمهٔ آب دارند. گاهی این دیدارها به‌صورت اتفاقی رخ می‌دهند و عشاق بدون هماهنگی همدیگر را می‌بینند؛ چنان‌که خسرو و شیرین به‌صورت پنهانی و اتفاقی در کنار چشمهٔ آب همدیگر را می‌بینند. گاهی معشوق از این دیدار پنهانی در غفلت است؛ کاری که زلیخا می‌کند؛ زلیخا دیداری پنهانی با یوسف ترتیب می‌دهد، بدون آنکه یوسف اطلاعی داشته باشد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

تنوع در روش‌های دیدار عشاق در منظومه‌های عامیانه و کلاسیک، هر دو، دیده می‌شود؛ اما لباس مبدل پوشیدن معشوق در منظومه‌های کلاسیک بسیار کم است؛ زیرا شاعر در منظومه‌های عامیانه سعی می‌کند شخصیت زن دلاور و جنگجو را به ما نشان دهد.

٤- ٦- ج. عاشق آزموده می‌شود (نشانهٔ D)

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	***ویس و رامین***	***یوسف و زلیخا***	***عزیز و نگار***	***حیدربیک و سمنبر***	***حسینا و دلارام***
عاشق آزموده می‌شود.		مناظرهٔ خسرو و فرهاد؛ مناظرهٔ خسرو و شیرین.		خدا زلیخا را با دوری از یوسف و ازدست دادن زیبایی، بینایی و حتی پول می‌آزماید.	کُشتی عزیز و نگار و پیدا کردن نگار از میان دخترها.	سمنبر با پرسش‌های شاه آزموده می‌شود.	

D^1) آزمودن عاشق از طریق مناظره: گاهی مناظره‌ای بین عاشق و معشوق اتفاق می‌افتد. در این مناظره‌ها، درجهٔ عشق عاشق معلوم می‌شود؛ چنان‌که شیرین بعد از مناظرهٔ بسیار طولانی و پر از ملامت و ناراحتی با خسرو، پشیمان می‌شود و از وی عذرخواهی می‌کند. گاهی این مناظره بین عاشق و رقیب عشقی‌اش اتفاق می‌افتد؛ مانند مناظرهٔ خسرو و فرهاد.

D^2) آزمودن عاشق از طریق امتحان و اختبار الهی: رقیب عشقی زلیخا خداست؛ برای همین خدا عشق او را می‌آزماید و جمال و زیبایی و حتی بینایی‌اش را می‌گیرد و وی را تنها و

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

دور از یوسف رها می‌کند؛ زلیخا بعد از آزمایش بسیار سخت می‌فهمد که یوسف وسیله‌ای برای رسیدن او به معشوق اصلی یعنی خدا بوده است.

D^3) آزمودن عاشق از طریق کُشتی گرفتن: گاهی عاشق مجبور می‌شود با رقیب عشقی‌اش کُشتی بگیرد. در این مبارزات اگر او بتواند بر حریف غلبه کند، به معشوق خود می‌رسد و با هم ازدواج می‌کنند. جالب آنجاست که در این منظومه‌ها، نمونه‌ای هم از کُشتی گرفتن عاشق با معشوق خود داریم. در منظومهٔ *عزیز و نگار*، نگار یک شرط می‌گذارد که اگر کسی بتواند در کُشتی او را شکست دهد، با او ازدواج می‌کند. تنها کسی که می‌تواند چنین کند، عزیز است.

D^4) آزمودن عاشق از طریق پرسش و پاسخ: معمولاً هم‌زمان با رسیدن عشاق به هم، پدر معشوق یا شاه سؤال‌هایی از عاشق می‌پرسد تا مطمئن شود که انتخاب فرزندش (معشوق) درست است یا نه. نمونه‌ای از این نوع آزمایش را در منظومهٔ *حیدربیک و سمنبر* می‌بینیم. اما این آزمایش درواقع برای آزمودن سمنبر است؛ چون شاه عاشق سمنبر است و می‌خواهد از عشق او به حیدربیک مطمئن شود. شاه چند سؤال از سمنبر می‌کند و می‌فهمد که جدا کردن این دو عاشق از همدیگر روا نیست.

درواقع هنگامی که آزمایش برای اثبات قدرت بدنی است، عاشق با معشوق یا رقیب عشقی خود کُشتی می‌گیرد و زمانی که برای اثبات قدرت ذهنی یا ایمان عاشق است، جلسهٔ پرسش و پاسخ برگزار می‌شود. البته این آزمایش با موانع وصال فرق می‌کند و وجود آن در منظومه‌ها الزامی نیست. ممکن است آزمایش در بعضی از منظومه‌ها وجود نداشته باشد؛ مانند *ویس و رامین* و *حسینا و دلارام*؛ درحالی که موانع وصال الزامی است و داستان بدون آن‌ها شکل نمی‌گیرد.

٤- ۷- چ. رقابت عشقی (نشانهٔ M)

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	*ویس و رامین*	*یوسف و زلیخا*	*عزیز و نگار*	*حیدربیک و سمنبر*	*حسینا و دلارام*

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

رقابت عشقی	فرهاد با خسرو، مریم با شیرین، شیرویه با خسرو	موبد همسر ویس با رامین، گل همسر رامین با ویس	خدا	جوانان مازندران با عزیز	داماد سمنبر با حیدربیک	گری، عاشق دلارام، با حسینا

M^1) رقیب عشقی شخصیت منفی دارد: در منظومه‌هایی که کنش‌های عیاری دارند، مانند پوشیدن لباس مبدل و کمندافکنی، رقیب عشقی شخصیتی بسیار منفی دارد و رقابت عشقی جز با جنگ و کُشتن رقیب تمام نمی‌شود؛ چنان‌که رامین مجبور می‌شود با برادر خود، موبد بجنگد؛ عزیز با حاسدانش و خواستگاران نگار وارد جنگ می‌شود؛ و حیدربیک و سمنبر ناگزیر وارد جنگ با سپاهیان کشمیری می‌شوند و آن‌ها را نابود می‌کنند.

M^2) رقیب عشقی شخصیت بسیار منفی ندارد: منظومه‌هایی که بن‌مایه‌های عیاری ندارند و عشاق در آن‌ها به ملاقات پنهانی اکتفا می‌کنند، رقیب عشقی بسیار خطرناک هم ندارند و عاشق به‌آسانی رقیب را از سر راه خود برمی‌دارد؛ چنان‌که در منظومه‌های *خسرو و شیرین*، *حسینا و دلارام* و *یوسف و زلیخا* دیده می‌شود.

منظومه‌های کلاسیک و عامیانه از لحاظ کنش، کارکرد رقیب عشقی، شباهت‌های بسیاری با هم دارند؛ چون رقیب عشقی از مهم‌ترین کنش‌ها محسوب می‌شود. نکتهٔ مهم آن است که بن‌مایه‌های عیاری در منظومه‌های عامیانه بیشترند و درنتیجه رقیب عشقی در این منظومه‌ها شخصیت منفی‌تری دارد تا در منظومه‌های کلاسیک.

٤- ٨- ح. مبارزه (نشانهٔ H)

		منظومه‌های کلاسیک	منظومه‌های عامیانه

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	*خسرو و شیرین*	*ویس و رامین*	*یوسف و زلیخا*	*عزیز و نگار*	*حیدربیک و سمنبر*	*حسینا و دلارام*
مبارزه			موبد سعی می‌کند رامین را بکُشد، اما موفق نمی‌شود؛ رامین به قصر زرد حمله می‌کند و شاهِ تمام کشور می‌شود.	مبارزهٔ زلیخا با زنان مصر که با دیدن یوسف انگشت‌های خود را می‌بُرند.	مبارزهٔ عزیز با حاسدان به‌صورت آزمایش است؛ عزیز موفق می‌شود نگار را از میان دخترها پیدا کند.	حیدربیک داماد سمنبر را می‌کُشد و با همراهی سمنبر بر سپاهیان کشمیری غلبه می‌کند.	حسینا گری را می‌کُشد.

H^1) مبارزهٔ عاشق با رقیب عشقی خود: عاشق مجبور می‌شود با رقیب عشقی خود بجنگد تا او را از سرِ راهش بردارد. البته چنان‌که پیش‌تر گفتیم، رقیب عشقی دو شخصیت دارد: منفی یا مثبت و اینکه چندان هم خطرناک نیست. البته گاهی رقیب عشقی باآنکه شخصیت چندان منفی‌ای هم ندارد، از سرِ راه عاشق کنار نمی‌رود؛ برای همین عاشق مجبور می‌شود او را بکُشد؛ چنان‌که در منظومه‌های *حیدربیک و سمنبر* و *حسینا و دلارام* می‌بینیم؛ همچنین در منظومهٔ *ویس و رامین* که موبد سعی می‌کند رامین را بکُشد؛ اما وی به‌سرعت متوجه می‌شود و او را از این کار بازمی‌دارد.

H^2) مبارزهٔ عاشق با حاسدان و سخن‌چینان: گاهی مبارزهٔ عاشق با حاسدان و سخن‌چینان بسیار سخت است و عاشق مجبور می‌شود برای پیشگیری از ننگ ملامت و رسوایی، با آن‌ها وارد جنگ شود. البته این مبارزه ذهنی است؛ یعنی عاشق کاری می‌کند که آن‌ها از گفتارها و رفتارهای خود پشیمان شوند. برای مثال زلیخا با زنان مصر وارد دعوا نمی‌شود؛ فقط یوسف را به آن‌ها نشان می‌دهد؛ زنان مصر با دیدن یوسف می‌فهمند که عشق یوسف در ارادهٔ زلیخا

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

نبوده است و از سخن‌های خود دربارهٔ وی پشیمان می‌شوند. اما مبارزهٔ عزیز با حاسدان به‌شکل آزمایش بوده است؛ آن‌ها نگار را در بین چند دختر می‌گذارند و از عزیز می‌خواهند که معشوق خود را از میان دخترها پیدا کند؛ عزیز، نگار را از میان همهٔ دخترها برمی‌گزیند و بر حاسدان غلبه می‌یابد.

$H^{۳}$) مبارزهٔ عاشق با سپاهیان: عاشق هنگامی‌که مخالفت خانواده یا قبیلهٔ معشوق را می‌بیند، مجبور می‌شود با آن‌ها بجنگد؛ چنان‌که حیدربیک و سمنبر با سپاهیان کشمیر، شهر سمنبر، می‌جنگند و آن‌ها را نابود می‌کنند. گاهی این مبارزه با رقیب عشقی‌ای اتفاق می‌افتد که پادشاه است. در این مواقع، عاشق مجبور می‌شود بر پادشاه غلبه کند و به‌جای او بر تخت پادشاهی بنشیند تا به معشوق خود برسد. برای نمونه رامین با برادرش، موبد، همسر ویس، می‌جنگد، او را می‌کُشد و بر تخت پادشاهی می‌نشیند.

روش‌های مبارزه در منظومه‌های کلاسیک و عامیانه یکسان هستند؛ اما در بعضی از این منظومه‌ها بیشتر از یک نوع مبارزه دیده می‌شود. برای مثال در منظومه‌های *ویس و رامین* و *حیدربیک و سمنبر* مبارزه با رقیب عشقی و همچنین سپاهیان اتفاق می‌افتد؛ البته در این حالت موانع وصال بیشتر می‌شوند و درنتیجه غنای منظومه افزایش می‌یابد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

٤- ۹- خ. عاشق به شهر خود بازمی‌گردد (نشانهٔ ↓)

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	*ویس و رامین*	*یوسف و زلیخا*	*عزیز و نگار*	*حیدربیک و سمنبر*	*حسینا و دلارام*
عاشق به شهر خود بازمی‌گردد.		خسرو از ارمنستان به مداین بازمی‌گردد.	رامین بعد از جنگ به مرو بازمی‌گردد و شاهِ کل کشور می‌شود.			حیدربیک با سمنبر به ایران بازمی‌گردد.	

[1]↓) عاشق به شهر خود بازمی‌گردد: در پایان داستان عاشق تصمیم می‌گیرد به شهر خود بازگردد. معمولاً برگشتن عاشق دو علت دارد: یا می‌خواهد به‌جای پدرش بر تخت پادشاهی بنشیند یا شوق دیدار خانواده و کشور در او به‌حدی است که دیگر نمی‌تواند دوری را تحمل کند. برای نمونه خسرو به مداین برمی‌گردد و بر تخت پادشاهی می‌نشیند؛ رامین بعد از جنگی طولانی به مرو بازمی‌گردد و به‌جای برادرش بر تخت پادشاهی می‌نشیند؛ اما عزیز بعد از ازدواج، دلش برای مادرش تنگ می‌شود و تصمیم می‌گیرد به شهر خود بازگردد؛ همچنین حیدربیک با سمنبر از هند به ایران بازمی‌گردد و در آنجا به زندگی خود ادامه می‌دهد.

[2]↓) عاشق به شهر خود بازنمی‌گردد: گاهی عاشق به شهر معشوق می‌رود و در آنجا می‌ماند. برای مثال در منظومهٔ *حسینا و دلارام*، حسینا از آغاز داستان به شهر دلارام می‌رود و در همان‌جا می‌ماند؛ اما در منظومهٔ *یوسف و زلیخا*، تقدیر، عاشق و معشوق را از شهر خودشان به مصر می‌کشاند و آن دو در آنجا می‌مانند.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

حرکت عشاق در این منظومه‌ها امری قطعی و مسلّم است؛ اما زمان این حرکت، از منظومه‌ای به منظومهٔ دیگر فرق می‌کند؛ ممکن است در آغاز، وسط یا پایان داستان باشد. همچنین در بعضی از این منظومه‌ها حرکت در طول داستان مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در منظومه‌های *خسرو و شیرین*، *ویس و رامین*، *عزیز و نگار* و *حیدربیک و سمنبر* چنین است. نتیجه آنکه از این نظر، بین منظومه‌های کلاسیک و عامیانه شباهتی چشمگیر وجود دارد.

٤- ١٠- د. عشاق به هم می‌رسند یا نه (نشانهٔ w)

کنش‌ها ↓	منظومه‌ها ←	منظومه‌های کلاسیک			منظومه‌های عامیانه		
		خسرو و شیرین	***ویس و رامین***	***یوسف و زلیخا***	***عزیز و نگار***	***حیدربیک و سمنبر***	***حسینا و دلارام***
عشاق به هم می‌رسند یا نه؟		برای مدتی کوتاه به همدیگر می‌رسند؛ اما بعد خسرو کُشته می‌شود.	عشاق به‌هم می‌رسند.	برای مدتی کوتاه به همدیگر می‌رسند؛ اما بعد یوسف می‌میرد.	به‌هم نمی‌رسند.	به‌هم می‌رسند.	به‌هم می‌رسند.

w^1) داستان پایان خوشی دارد: معمولاً بیشتر منظومه‌های عاشقانه با ازدواج و وصال عشاق تمام می‌شوند؛ چنان‌که در منظومه‌های *ویس و رامین*، *حیدربیک و سمنبر* و *حسینا و دلارام* می‌بینیم.

w^2) داستان برای مدتی کوتاه پایان خوشی دارد: در این‌گونه داستان‌ها عشاق به‌هم می‌رسند و ازدواج می‌کنند؛ اما بعد از مدتی کوتاه، یکی از آن‌ها یا هر دو می‌میرند. این نوع

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

پایان، در *خسرو و شیرین* و *یوسف و زلیخا* مشاهده می‌شود؛ شیرویه خسرو را می‌کُشد و شیرین نیز از غم خسرو در کنار وی خودکشی می‌کند؛ یوسف با زلیخا ازدواج می‌کند، اما بعد از مدت کوتاهی می‌میرد و زلیخا در غم فراق معشوق جان می‌دهد.

w^3) داستان پایان خوشی ندارد: در این نوع داستان‌ها، عشاق در پایان داستان به وصال هم نمی‌رسند. تنها مثالی که هست، منظومهٔ است. البته شکل این منظومه با بقیهٔ منظومه‌ها فرق می‌کند؛ عشاق در آغاز داستان ازدواج می‌کنند و می‌کوشند رابطه‌شان ادامه یابد و در کنار هم زندگی کنند؛ اما داستان با مردن عاشق و معشوق پایان می‌یابد.

با مقایسهٔ پایان داستان‌ها به این نتیجه می‌رسیم که رسیدن عشاق به هم برای مدتی کوتاه که در منظومه‌های کلاسیک مشاهده می‌شود، به داستان مضمون غم‌نامه (تراژدی) می‌دهد؛ علت آن می‌تواند انگیزهٔ شاعر برای ایجاد تغییر و نوآوری یا واقعی بودن بعضی از این داستان‌ها باشد؛ مانند داستان *خسرو و شیرین* که شاعر را مجبور می‌کند وقایع را چنان‌که رخ داده است، منتقل کند.

منظومه‌ها	کنش‌های عاشقانه
خسرو و شیرین	$a^2\ a^4\ \delta^1\ \lambda^2\ \lambda^3\ \uparrow^1\ O^3\ D^1\ M^2\ \downarrow^1\ W^2$
ویس و رامین	$a^1 \delta^2\ \lambda^2\ \lambda^3\ \lambda^5\ \uparrow^3 O^2\ M^1 H^1\ H^3 \downarrow^1\ W^1$
یوسف و زلیخا	$a^1\ a^3\ \delta^1\ \lambda^2 \lambda^4\ \uparrow^3\ O^3\ D^2 M^2\ H^2\ \downarrow^2\ W^2$
عزیز و نگار	$a^4\ \delta^1 \lambda^1 \lambda^2\ \lambda^3\ \lambda^5\ \uparrow^1\ O^1\ D^3\ M^1\ H^2\ \downarrow\ W^3$
حیدربیک و سمنبر	$a^1\ \delta^3\ \lambda^1 \lambda^2\ \uparrow^1\ O^2\ D^4\ M^1\ H^1\ H^3\ \downarrow^1\ W^1$
حسینا و دلارام	$a^1\ \delta^2\ \lambda^1 \lambda^2\ \uparrow^1\ O^3\ M^2\ H^1\ \downarrow^2\ W^1$

بحث و بررسی پیشین در جدول بالا خلاصه شده است. با نگاهی به این جدول درمی‌یابیم که عاشق شدن، کسب اطلاعات دربارهٔ معشوق، موانع وصال، فرار عاشق، معشوق یا هر دو از خانه، دیدار عشاق، رقابت عشقی، بازگشتن عاشق به شهر خود و رسیدن یا نرسیدن عشاق به همدیگر در تمام منظومه‌ها مشترک‌اند. مبارزه در تمام منظومه‌ها، به‌جز یک منظومه، وجود دارد؛ همچنین آزمودن عاشق در دو منظومه وجود ندارد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

نتیجه

یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین حوزه‌های شعر غنایی فارسی منظومه‌های عاشقانه است. در کنار منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک، صدها منظومهٔ عاشقانهٔ عامیانه نیز در اطراف ایران شکل گرفته است. این عاشقانه‌ها در کنار برخی تفاوت‌ها، شباهت‌های ساختاری و روساختی فراوانی دارند که با الهام از شیوهٔ ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ تجزیه و تحلیل شده‌اند. در مقایسهٔ سه منظومهٔ کلاسیک *خسرو و شیرین*، *یوسف و زلیخا* و *ویس و رامین* به سه منظومهٔ عامیانهٔ *عزیز و نگار*، *حیدربیک و سمنبر*، *حسینا و دلارام* درمی‌یابیم: منظومه‌های عاشقانهٔ کلاسیک و عامیانه کنش‌های مشترکی دارند. تعداد کنش‌ها در منظومه‌های کلاسیک و عامیانه بین هشت تا نُه کنش است. تکرار کنش‌های منظومه‌های کلاسیک بیشتر است. گاه بعضی از کنش‌ها در منظومه‌های کلاسیک سه یا چهار بار تکرار می‌شوند؛ مانند موانع وصال. در منظومه‌های عامیانه، به‌خلاف منظومه‌های کلاسیک، طرح زندگی و محیط فرهنگی عاشق و معشوق دیده نمی‌شود و یک‌راست به اصل مطلب می‌پردازد. آغاز عشق در منظومه‌های عامیانه مادی و ملموس و با شنیدن صدای معشوق است و معشوق هیچ‌گاه در خواب دیده نمی‌شود؛ زیرا معشوق در دسترس است و مانعی برای دیدار عشاق وجود ندارد. درحالی که در منظومه‌های کلاسیک، معشوق معمولاً در کشوری دیگر و دور از دسترس است و دیدن او شاید فقط در خواب میسر باشد. عشق‌های ممنوع در منظومه‌های عامیانه دیده نمی‌شوند و مهم‌ترین مانع وصال در منظومه‌های عاشقانهٔ عامیانه، به‌خلاف منظومه‌های کلاسیک، مخالفت والدین با ازدواج است. جنون عشاق در منظومه‌های عامیانه دیده نمی‌شود. در منظومه‌های کلاسیک، برعکس منظومه‌های عامیانه، کمک کردن معشوق به عاشق، دوست، دایه و معجزه بسیار است. تنوع در روش‌های دیدار عشاق در منظومه‌های عامیانه و کلاسیک، هر دو، دیده می‌شود. آزمایش برای اثبات قدرت بدنی است یا پرسش و پاسخ در منظومه‌ها الزامی است. روش‌های مبارزه در منظومه‌های کلاسیک و عامیانه یکسان هستند. حرکت عشاق از محل برای دیدار در این منظومه‌ها امری قطعی و مسلّم است. پایان منظومه‌های کلاسیک غم‌نامه (تراژدی) است؛ اما منظومه‌های عامیانه‌ها شاد هستند.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

پی‌نوشت

۱. منظومه و مقام «طالبا» مربوط به شاعر سبک هندی طالب آملی است. طالبا به‌عنوان غم‌نامه‌ای عاشقانه به آوازی حزین خوانده می‌شود. آهنگ طالبا از آهنگ‌های مازندران است، وزن دوضربی دارد و در دستگاه ابوعطا اجرا می‌شود.

منابع

- آذر، اسماعیل و سیده‌معصومه پورسید (۱۳۹۰). «ریخت‌شناسی گنبد سرخ در هفت‌پیکر نظامی گنجوی». ***پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی***. س۱. ش٤. صص۹ ـ ۳۰.
- بالایی، کریستف و میشل کویی پرس (۱۳۷۸). ***سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی***. ترجمهٔ احمد کریمی حکاک. تهران: معین.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۹۲). ***ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان***. ترجمهٔ فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- پروینی، خلیل، هادی نظری‌منظم و شهرام دلشاد (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی داستان 'لیلی و مجنون' عربی و 'عزیز و نگار' فارسی از دیدگاه ساختارگرایی». ***پژوهش‌های ادبیات تطبیقی***. ش۲. صص٤٥ ـ ٧٤.
- پشتدار، علی‌محمد و محمدرضا عباس‌پور خرمالو (۱۳۹۰). «تحلیل داستان گنبد چهارم در منظومهٔ غنایی هفت‌پیکر (براساس نظریهٔ ساختارگرایان)». ***پژوهشنامهٔ ادب غنایی***. ش١٦. صص٢٥ ـ ٤٦.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۹). «ریخت‌شناسی افسانهٔ عاشقانهٔ 'گل بکاولی'». ***فنون ادبی دانشگاه اصفهان***. ش۱. صص٤٩ ـ ٦٢.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). ***یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی***. تهران: نشر چشمه.
- رزمجو، حسین (۱۳۹۰). ***انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی***. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- روحانی، مسعود و محمد عنایتی قادیکلایی (۱۳۸۸). «بررسی ریخت‌شناسانهٔ داستان 'بیژن و منیژه' شاهنامهٔ فردوسی براساس نظریهٔ ولادیمیر پراپ». ***مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی***. ش٦٦. صص١١٩ ـ ١٤٣.
- زهره‌وند، سعید، مرضیه مسعودی و منصور رحیمی (۱۳۹۳). «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی براساس نظریهٔ پراپ». ***پژوهشنامهٔ ادب غنایی***. ش٢٣. صص١٦٤ ـ ١٨٤.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». ***خرد و کوشش***. ش۱۱ و ۱۲. صص۹۹.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]

- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). ***انواع ادبی***. تهران: میترا.
- عسگری گزلاچه‌ای، رضا (۱۳٤۹). ***داستان و اشعار کامل حسینا و دلارام، باقر و گلندام، فایز دشتستانی و پریزاد***. تهران: جانقربان.
- علیخانی، یوسف (۱۳۹۳). ***عزیز و نگار بازخوانی یک عشقنامه***. تهران: ققنوس.
- فاطمی، سیدحسین و فائزه عرب یوسف‌آبادی (۱۳۹۰). «ریخت‌شناسی داستان عاشقانهٔ شهسوار پلنگینه‌پوش شوتا روتاولی». ***پژوهشنامهٔ ادب غنایی***. دانشگاه سیستان و بلوچستان. ش۱۷. صص۱۷٤ ـ ۱۹۰.
- قربانی، خاور و کیوان گورک (۱۳۹۲). «ریخت‌شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتایون». ***پژوهشنامهٔ ادب غنایی***. دانشگاه سیستان و بلوچستان. ش۲۰. صص۲۳۹ ـ ۲٥٤.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۹۲). ***ویس و رامین، با دو گفتار صادق هدایت و مینورسکی***. تصحیح و تحشیهٔ محمد روشن. تهران: صدای معاصر.
- مؤمنی، منصور (۱۳۷۷). «لیکو». ***کلک***. ش۱۰۱ ـ ۱۰٤. صص۱۰۱ ـ ۱۰۳.
- نظامی گنجه‌ای، جمال‌الدین (۱۳۹٥). ***خسرو و شیرین***. تصحیح و تحشیهٔ وحید دستگردی. تهران: نشر قطره.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم، لیلا هاشمیان و مریم رحمانی (۱۳۹۳). «تحلیل 'خورشید و جمشید' برپایهٔ نظریهٔ پراپ». ***مطالعات ادبیات تطبیقی***. ش۳۰. صص۹۱ ـ ۱۱۲.
- واعظزاده، عباس (۱۳۹٥). «رده‌بندی داستان‌های عاشقانهٔ فارسی». ***فصلنامهٔ نقد ادبی***. ش۳۳. صص۱٥۷ ـ ۱۸۹.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.6.4]